خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۱۸ اسفند ۱۳۹۵ . ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۴۹۲

شیخ محمد عبده
(۱۲۸۴-۱۲۲۸ هـ.ش)

عالم و اندیشمند مصری و از پیشگامان و منادیان وحدت اسلامی بود. او از شاگردان برجسته سید جمال‌الدین اسدآبادی محسوب می‌شد و در انتشار روزنامه مشهور «عروة‌الوثقی» با وی همکاری داشت. عبده شاگردان زیادی تربیت کرد که برخی از آنها، بعدها، به ادامه دهندگان راه و تفکر وحدت اسلامی تبدیل شدند. او تقریب مذاهب اسلامی را، یگانه راه نجات جهان اسلام از سیطره استعمارگران می‌دانست.

تاریخ انقلاب

غائله ۱۴ اسفند
همکاری آشکار بنی صدر با منافقین

روز ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹، در جریان سخنرانی بنی‌صدر در دانشگاه تهران، به مناسبت بزرگداشت دکتر مصدق، لیبرالیست‌ها و مائوئیست‌ها (حزب رنجبران) و منافقین، میتینگ تحریک‌آمیزی را به راه انداختند. آنها افراد مسلح به چاقو، کمربند و پنجه بوکس را در اطراف محوطه دانشگاه گمارده بودند تا در صورت شعار دادن مخالفان، سرکوبشان کنند. برنامه مراسم چهارده اسفند با تمهیدات و فضاسازی‌هایی بعد از سخنرانی غوغاگرانه ۲۲ بهمن بنی‌صدر در میدان آزادی و سخنرانی‌های همراه با درگیری ۴ نماینده وابسته به نهضت آزادی، در هفتم اسفند و هماهنگی گروه‌های متحد باوی، طراحی شده بود. سخنرانی بنی‌صدر در زمین چمن دانشگاه تهران شروع شد و کف زدن‌ها و سوت زدن‌های متوالی او را به وجد آورد. شعار «مرگ بر ارتجاع» و «درود بر بنی‌صدر» فضا را پر کرده بود. ناگهان در گیری کوچکی در گوشه محوطه بین مخالفان و موافقان شروع شد و دو طرف به جان هم افتادند. طرفداران منافقین و بنی‌صدر که برای این اقدام آمادگی کامل داشتند، مخالفان را به شدت کتک زدند و سرکوب کردند. درگیری به بیرون از دانشگاه و خیابان‌ها کشیده شد. بنی‌صدر هم، از پشت تریبون دستور سرکوب صادر می‌کرد و بین مردم از یک سو و طرفداران بنی‌صدر و منافقین، از سوی دیگر، چیزی شبیه جنگ رخ داد. خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران تا ساعت‌ها حالت جنگ‌زده داشت. طرفداران بنی‌صدر و منافقین، در مسیر خیابان‌ها، به بعضی فروشگاه‌ها، ماشین‌های دولتی و حتی پلیس حمله کردند. بعضی شخصیت‌های سیاسی، وکلای مجلس و افسران پلیس، در این ماجرا مورد ضرب و جرح قرار گرفتند. بازحمت زیاد، پلیس بعد از ساعت‌ها همکاری با کمیته و سپاه، کنترل اوضاع را به دست گرفت. روز ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ به عنوان نقطه عطفی در اتحاد لیبرالیسم، منافقین و مائوئیست‌ها ثبت شد. سازمان منافقین با برنامه‌ریزی قبلی و تدارک کافی، گروه‌های بیست تا سی نفره میلیشیا[شاخه نظامی] را برای شرکت در مراسم ۱۴ اسفند سازماندهی کرده بود. افرادی که ورزیده‌تر و دارای هیکل درشت‌تر از دیگران بودند، به عنوان گروه ضربت انتخاب شده بودند. در کمیته‌ای که برای بررسی این موضوع تشکیل شد و در آن، نماینده بنی‌صدر نیز، حضور داشت، وی به عنوان مقصر اصلی غائله ۱۴ اسفند معرفی شد. سرانجام، مجلس، در خردادماه سال ۱۳۶۰، رأی به عدم کفایت سیاسی وی داد.

منبع: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

به مناسبت روز بزرگداشت سید جمال الدین اسدآبادی

مجاهدت برای بیداری اسلامی، از اسدآباد تا پاریس

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

در هنگامه هجوم استعمار به سرزمین های اسلامی و در بحبوحه گرفتاری مسلمانان در دام پرخطر فقر و جهل، مردی وارد میدان شد که اندیشه ها و مجاهدت هایش، چراغ امید را در دل دلسوختگان روشن و نوید بیداری مسلمانان را در فضای غبار گرفته آن دوران، طنین انداز کرد. سیدجمال الدین اسدآبادی، رادمردی از تبار دین و اندیشه بود که پیش از دیگران، به راز عقب ماندن جهان اسلام و پیش افتادن غرب، در صناعت و مدنیت، پی برد و مبارزه ای بی امان را برای بیداری جهان اسلام آغاز کرد. بی تردید می توان او را آغازگر نهضت بازیابی عظمت مسلمانان نامید؛ عظمتی که در پرتوی تعالیم جهانشمول اسلام شکل می گرفت و یادآور عصر طلایی تمدن اسلامی بود.

استادشهید مرتضی مطهری، در کتاب «بررسی نهضت های اسلامی در صدساله اخیر»، درباره سیدجمال الدین اسدآبادی می نویسد: «او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی بازگو کرد، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد ... نهضت سید جمال، هم فکری بود و هم اجتماعی. او می خواست رستاخیزی، هم در اندیشه مسلمانان به وجود آورد و هم در نظامات زندگی آنها ... سید جمال در نتیجه تحرک و پویایی، هم، زمان و جهان خود را شناخت و هم با دردهای کشورهای اسلامی – که داعیه علاج آنها را داشت – دقیقا آشنا شد.»

■ **مایه افتخار اسلام و ایران**

سیدجمال الدین حسینی اسدآبادی همدانی، در سال ۱۲۱۷ (هـ.ش)، در اسدآباد همدان متولد شد. پدرش «سید صفدر» و مادرش «سکینه بیگم»، دختر مرحوم «میرشرف الدین حسینی قاضی» بود. آثار خاندان اسدآبادی هنوز هم در اسدآباد وجود دارد. او در ۵ سالگی، فراگیری علوم دینی را نزد پدر دانشمندش آغاز کرد و مدتی بعد، برای تکمیل درس راهی تهران و قزوین شد. سید به سرعت مقدمات علوم دینی را فراگرفت و با تفسیر قرآن آشنا شد.

او چندی بعد، به نجف اشرف رفت و در آن جا، از محضر علمای بنام عصر، همچون شیخ مرتضی انصاری، در فقه و اصول و ملا حسینقلی در جزینی همدانی، در اخلاق و عرفان، بهره های علمی و معنوی فراوان برد. سید در سال ۱۲۳۲ (هـ.ش)، به پیشنهاد شیخ انصاری، عازم هندوستان شد و در آن جا، ضمن آشنایی با علوم جدید، کوشش کرد مردم و به ویژه مسلمانان را علیه استعمار انگلیس بسیج کند و به مبارزه وا دارد. با این حال، او به دلیل سلطه همه جانبه انگلیسی ها، پس از یک سال و نیم اقامت در آن دیار، مجبور به ترک آن جا شد و به عثمانی رفت. در این کشور نیز جایگاه علمی و توجه سلطان عثمانی به سید، حسادت درباریان را برانگیخت و او را وادار کرد به مصر مهاجرت کند.

سید در مصر توانست یک نهضت فکری ضداستعماری را پایه گذاری کند و تشکیلاتی به نام «انجمن مخفی» به وجود آورد. انگلیسی ها که از بیدارگری های سید به شدت بیمناک بودند، او را وادار به ترک مصر کردند. با این حال، شاگرد خاص وی، «محمد عبده»، توانست راه او را در مصر ادامه دهد. با انتشار اندیشه های سیدجمال، مصر به کانون بیداری اسلامی در سال های پایانی قرن نوزدهم میلادی تبدیل شد.

■ **مرزبانی اندیشه اسلامی**

سید جمال پس از ترک مصر، مدتی به هندوستان رفت و سپس راهی اروپا شد. او در پاریس، با همکاری «محمد عبده»، دست به انتشار روزنامه «عروة الوثقی» زد و به اتهامات «ارنست رنان» علیه اسلام، پاسخ هایی جانانه داد و از مرزهای اعتقادی مسلمانان دفاع کرد. سید به دعوت ناصرالدین شاه به ایران نیز آمد.

او گمان می کرد، می تواند با نزدیک شدن به شاه، اندیشه های اصلاح طلبانه خود را به اجرا بگذارد، اما وقتی دریافت شاه، بیش از هر عامل دیگری در بدبختی و عقب ماندگی جامعه ایران نقش دارد، در برابر او ایستاد و به همین دلیل، به شکلی رقت انگیز به عتبات تبعید شد. سید جمال پس از تبعید از ایران، به بصره رفت و از آن جا، نامه ای به آیت ا... العظمی سیدحسن شیرازی نوشت و در آن نامه، ظلم های فراوان شاه به مردم ایران را یادآور شد. برخی معتقدند که این نامه در صدور فتوای مشهور تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی، تأثیر فراوانی داشته است.

حضور سید در عراق، طی سال های ۱۲۷۰ تا ۱۲۷۱ (هـ.ش)، بر وضعیت فکری و سیاسی شهرهای شیعه نشین عراق و گسترش دعوت به وحدت در جامعه اسلامی تأثیر گذار بود. سید سال های پایانی عمر خود را در عثمانی گذراند و به صورت غیر مستقیم تحت نظر سلطان عبدالحمید، امپراتور عثمانی قرار داشت. وقتی خبر قتل ناصرالدین شاه، توسط میرزا رضا کرمانی، به اسلامبول رسید، سلطان عثمانی که نسبت به سیدجمال بیمناک شده بود، دستور قتل او را صادر کرد. سرانجام روز ۱۹ اسفندماه ۱۲۷۵، سیدجمال الدین اسدآبادی را مسموم کردند و به شهادت رساندند و پیکر او را در قبرستان مشایخ اسلامبول به خاک سپردند.

■ **آخرین نامه سیدجمال**

سیدجمال الدین اسدآبادی در آخرین روزهای عمر خود در نامه ای به یکی از دوستانش، که ظاهراً آخرین نامه اوست، می نویسد: «دوست عزیز! من در موقعی این نامه را به دوست عزیز خود می نویسم که در محبس، محبوس و از ملاقات دوستان خود محرومم. نه انتظار نجات دارم و نه امید حیات. نه از گرفتاری متألّم و نه از کشته شدن متوحش. خوشم بر این حبس و خوشم بر این کشته شدن. حبسم برای آزادی نوع، کشته می شوم برای زندگی قوم. ولی افسوس می خورم از این که کِشته های خود را ندرویدم.

به آرزویی که داشتم، کاملا نایل نگردیدم. شمشیر شقاوت نگذاشت بیداری ملل مشرق را ببینم. دست جهالت فرصت نداد صدای آزادی را از حلقوم امم مشرق بشنوم. ای کاش! من تمام تخم افکار خود را در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود تخم های بارور و مفید اندیشه خود را در زمین شوره زار سلطنت، فاسد نمی نمودم.

آنچه در آن مزرعه کاشتم، به نمو رسید. هر چه در این زمین کویر غرس نمودم، فاسد گردید. در این مدت، هیچ یک از تکالیف خیرخواهانه من، به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت. امیدواری ها به ایرانم بود. اجر زحماتم را به فراش غضب حواله کردند. با هزاران وعده و وعید به ترکیه احضارم کردند. این نوع مغلول [در زنجیر] و مقهورم نمودند. غافل از این که انعدام [نابود شدن] صاحب نیت، اسباب انعدام نیت نمی شود.

صفحه روزگار، حرف حق را ضبط می کند. باری، من از دوست گرامی خود، خواهشمندم این آخرین نامه را به نظر دوستان عزیز و هم مسلک های ایرانیِ من برسانید و زبانی به آن ها بگویید: شما که میوه رسیده ایران هستید و برای بیداری ایرانی دامن همت به کمر زده اید، از حبس و قتال نترسید، از جهالت عوام خسته نشوید، از حرکات مذبوحانه سلاطین متوحش نگردید، با نهایت سرعت بکوشید. با کمال چالاکی کوشش کنید، طبیعت با شما یار است و خالق طبیعت، مددکار.»

> ای کاش! من تمام تخم افکار خودرا در مزرعه مستعد افکار ملت کاشته بودم. چه خوش بود تخم های بارور و مفید اندیشه خودرا در زمین شوره زار سلطنت، فاسد نمی نمودم. آنچه در آن مزرعه کاشتم، به نمو رسید. هر چه در این زمین کویر غرس نمودم، فاسد گردید. در این مدت، هیچ یک از تکالیف خیر خواهانه من، به گوش سلاطین مشرق فرو نرفت

بازیگران تاریخ

میرزا حسینقلی خان
نخستین سفیر ایران در ینگه دنیا

حسینقلی خان پسر هفتم میرزا آقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین شاه و طراح برکناری و ترور امیرکبیر بود. او در صفر ۱۲۶۵ (هـ.ق) به دنیا آمد. حسینقلی خان ده ساله بود که پدرش از صدراعظمی عزل و تبعید شد و در ۱۷ سالگی پدر خود را از دست داد. او سپس، تحت سرپرستی میرزا سعیدخان مؤتمن الملک، وزیر خارجه، به خدمت در این وزارت خانه مشغول شد. مدتی بعد، میرزا حسینقلی خان مفتخر به دریافت درجه نایب اولی در وزارت خارجه شد و نشان درجه دوم این وزارتخانه را دریافت کرد. او با فراگیری دو زبان انگلیسی و فرانسه و نیز آشنایی با اصول دیپلماتیک، به معاونت این وزارتخانه برگزیده و در سال ۱۳۰۲ (هـ.ق) با گرفتن لقب معتمدالوزاره و دریافت نشان و حمایل سرتیپ اولی، به ژنرال کنسولگری ایران در بمبئی منصوب شد. معتمدالوزاره پس از بازگشت به ایران و با گرفتن نشان درجه اول وزارت خارجه، بلافاصله به عنوان اولین سفیر ایران به ایالات متحده آمریکا فرستاده شد. حرکت معتمدالوزاره به سوی آمریکا، در اواخر سال ۱۳۰۵ (هـ.ق) آغاز شد. همراهان او در این سفر، ده نفر بودند؛ از جمله یک نفر منشی و مترجم به نام میرزا محمودخان شیرازی، عبدالعلی خان آجودان و دکتر تورنس، پزشک آمریکایی که به دستور ناصرالدین شاه، مأموریت داشت این هیئت را تا آمریکا همراهی کند. حسینقلی خان معتمدالوزاره در گزارش خود به وزارت خارجه، چگونگی ورود خود به واشنگتن را این چنین توضیح می دهد: «یوم یکشنبه ۲۳ شهر محرم ۱۳۰۶، قبل از ورود کشتی به لنگرگاه ، بیرق دولت علیه به دیرک کشتی افراشته ، نزدیک به لنگرگاه که شدیم، کشتی بخار کوچکی با مستر کانل لی، از نایب های وزارت خارجه، به استقبال آمد. پیش از ورود کشتی به بندرگاه، ما را با کمال توقیر و احترام پیاده کردند و به مهمانخانه ویندزور که بهترین تمام مهمانخانه های نیویورک می باشد، منزل گرفته مدت بیست و چهار ساعت در آنجا توقف کردم.» او در دوران سفارتش به انجام کارهای خارج از شئون دیپلماتیک شهرت داشت. معتمدالوزاره که ظاهراً مردی متدین بود، روز عید قربان گوسفندی را بر فراز بالکن محل اقامتش قربانی کرد و ریخته شدن خون قربانی در خیابان، باعث جنجالی در شهر نیویورک شد. او در ذی‌الحجه سال ۱۳۰۶ (هـ.ق)، ایالات متحده را ترک کرد و به ایران بازگشت. وی در دوران مظفرالدین شاه و محمدعلی شاه نیز، مسئولیت هایی داشت. معتمدالوزاره سرانجام در سال ۱۳۱۶ (هـ.ق) در تهران درگذشت.

سخن بزرگان

زیباترین و به یادماندنی ترین سخنان مشاهیر در صفحه «همشهری سلام»

ماجراهای شیرین و پندآموز درستون حکایت
هر روز در صفحه «همشهری سلام»

جناب آقای دکتر ایمان ا... بیگدلی
ارتقاء درجه علمی شما به
مقام والای استاد تمامی
مایه افتخار ماست.
پدر، مادر، برادر و خواهرتان
۹۵۳۵۹۴۳۶/م

استاد دانشمند
جناب آقای دکتر حمیدرضا پوررضا
ارتقاء شایسته جنابعالی را به مقام والای
استادی در دانشگاه فردوسی
تبریک می گوییم.
دانشگاه صنعتی سجاد
۹۵۳۵۸۳۳۶/ف

همکار گرامی
آقای دکتر حمید معین فرد
ارتقاء شایسته جنابعالی را
به مقام ارزشمند
دانشیاری
صمیمانه تبریک عرض
می کنیم و امیدواریم استفاده از
توانایی علمی و تجارب ارزنده شما
در مراکز علمی تداوم داشته باشد.
گروه مکانیک دانشکده مهندسی
دانشگاه فردوسی مشهد
۹۵۳۵۸۳۲۹/ر

همکاران گرامی
آقایان دکتر خلیل فرهنگ دوست
دکتر محمود پسندیده فرد
ارتقاء شایسته شما را
به مقام شامخ استادی
صمیمانه تبریک عرض می نماییم.
امیدواریم استفاده از توانایی علمی و
تجارب ارزنده حضرت عالی در مراکز
علمی تداوم داشته باشد.
گروه مکانیک دانشکده مهندسی
دانشگاه فردوسی مشهد
۹۵۳۵۸۴۲۴/ر

جناب آقای دکتر حسین قاضی زاده هاشمی
مقام محترم عالی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی
جناب آقای دکتر قائمی ریاست محترم دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
جناب آقای دکتر حمیدی ریاست محترم شبکه بهداشت و درمان شهرستان قاینات
خیرین عزیز حوزه بهداشت و درمان
ضمن آرزوی توفیقات روزافزون، تلاش خداپسندانه شما عزیزان را در امر احداث، تجهیز و راه اندازی بخش های اورژانس، دیالیز، زایشگاه بیمارستان شهداء قاین و نیز توسعه خدمات بهداشتی درمانی در شهرستان قاینات را ارج می نهیم.
شورای خیرین سلامت شهرستان قاینات
۹۵۳۵۹۲۱۰/ج

جناب آقای دکتر محمدقره داغی
مدیرعامل و ریاست محترم هیئت مدیره بیمارستان سینا
جناب آقای دکتر رحیم تقوی- جناب آقای دکتر پرویز رئوفیان
جناب آقای دکتر فریبرز ثمینی -جناب آقای دکتر جعفر حسن زاده
جناب آقای دکتر محمدحسین نیکوئیان-جناب آقای دکتر ابراهیم قیم حسنخانی
جناب آقای دکتر فرشید باقری -جناب آقای دکتر غلامحسین کاظم زاده
سرکار خانم دکتر مرضیه مهاجری
با سپاس بیکران به درگاه لایزال احدیت بار دیگر سالی را در پرتو مهربانی و سایه سار پرمهرتان با سربلندی و خرسندی به پایان می رسانیم در حالیکه عنایات شما بزرگواران در مناسبت های دینی، ملی و کارگری به نیکوترین وجه شامل حال کلیه پرسنل گردیده است ما این موهبت عظیم الهی را شکر گفته و از الطاف بی دریغ شما بزرگان خیراندیش و سایر پزشکان مهرکیش صمیمانه تشکر نموده و با دلی مالامال از شوق استجابت دعای خود را بدرقه راهتان می کنیم.
انجمن اسلامی، نماینده کارگران و کارکنان بیمارستان و زایشگاه سینا
۹۵۳۵۸۷۲۵/ج

آگهی مناقصه شماره (۱۳۹۵/۵۳۳۹) ارزیابی کیفی
۱- مناقصه گزار: شرکت گاز استان خراسان رضوی
۲- موضوع مناقصه: خدمات بهره برداری و امداد، وصول مطالبات، گازبانی، خدمات عمومی، تعویض کنتور و رفع نشتی ناحیه گازرسانی تایباد و شهرها و روستاهای تابعه
۳- مدت اجرای پروژه: دو سال تقویمی
۴- شرایط متقاضیان:
الف- دارا بودن رتبه تاسیسات و تجهیزات
ب- داشتن ظرفیت خالی ارجاع کار
ج- داشتن گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی
۵- مدارک مورد نیاز جهت دریافت کاربرگهای استعلام ارزیابی
الف- تقاضای کتبی دریافت کاربرگهای استعلام ارزیابی با ذکر موضوع مناقصه
ب- ارائه گواهینامه صلاحیت رتبه بندی از سازمان برنامه و بودجه و تاییدیه صلاحیت ایمنی
۶- مهلت اعلام آمادگی و دریافت کاربرگهای استعلام ارزیابی از تاریخ ۹۵/۱۲/۱۸ لغایت ۹۵/۱۲/۲۸
۷- مهلت تکمیل و تحویل کاربرگها و اسناد استعلام ارزیابی تا آخر وقت اداری مورخ ۹۶/۰۱/۲۳
۸- محل دریافت و تحویل کاربرگها و اسناد استعلام ارزیابی، امور قراردادها واقع در مشهد- تقاطع بلوار خیام و بلوار ارشاد طبقه دوم- اتاق ۲۱۲ می باشد.
۹- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مطابق مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ هیأت محترم وزیران و اصلاحیه های بعدی آن می باشد که در اسناد مناقصه درج می گردد.
شایان ذکر است دسترسی به متن این آگهی و کاربرگ های استعلام ارزیابی کیفی در سایت WWW.nigc-khrz.ir امکان پذیر بوده و در صورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با تلفن: ۳۷۰۷۲۲۰۷ تماس بگیرید.
روابط عمومی شرکت گاز استان خراسان رضوی
۱/۹۵۳۵۹۳۳۵